



شهادت امام حسین(ع) مکتب پیامبر را احیا کرد/ عزت در کلام سیدالشهدا

اویسی پژوهشگر حوزه علم و دین گفت: شهادت امام حسین(ع) و یاران پاکبازش، به احیای مکتب محمدی کمک کرد و خون پاک اباعبدالله درخت اسلام را آبیاری نمود.

اویسی پژوهشگر حوزه علم و دین گفت: شهادت امام حسین(ع) و یاران پاکبازش، به احیای مکتب محمدی کمک کرد و خون پاک اباعبدالله درخت اسلام را آبیاری نمود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: توجه به معارف عاشورا در کنار عزاداری هایی که برای مصیبت های کربلا داریم، بسیار حائز اهمیت است. باید همه وقت و همه جا به حق را از باطل تشخیص داد و عاشورایی رفتار کرد. در این خصوص با کامران اویسی دکترای تفسیر تطبیقی، استاد حوزه و دانشگاه و پژوهشگر حوزه علم و دین گفتگویی داشتیم که ادامه می خوانیم.

*لطفا در مورد عزاداری و شکل صحیح آن در ایام محرم توضیح بفرمایید؟

ما زیارت عاشورا می خوانیم اما غالباً در معارف rlm& آن نمی اندیشیم؛ بلکه گاهی شکل ظاهری آن را نیز آنگونه که صادر شده، رعایت نمی کنیم!! برخی مادحان، برای اینکه گریه rlm& بیشتری از مردم بگیرند؛ جملاتی از خود به صورت نثر و نظم در خلال الفاظ زیارت می افزایند؛ اما اثر معنوی، از آن همان الفاظ و جملات مرتب است که از زبان معصوم علیه السلام صادر شده و بهتر است که خواننده، مطالب مربوط به مداحی و سینه زنی را قبل و یا بعد از زیارت بیاورد تا اصل rlm& زیارت بدون هرگونه زیاد و کم خوانده شود.

آیت الله ضیاء آبادی در کتاب لاquo& حسین چراغ حیات کشتی نجات raquo& می نویسد: ما در ایام عاشورا و در مجالس عزای همان rlm& طور که خود راموظف به ذکر مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام و گریه بر آن عزیز خدا می دانیم؛ باید خود را به اخذ معارف دین از آستان اقدس آن مربی و معلم بزرگ عالم انسانیت نیز موظف بدانیم

همین موضوع در مورد عزاداری ها هم صدق می کند. نمی گویم عزاداری نشود یا عزاداری های مرسوم مانند سینه زنی و زنجیر زنی و دسته روی اشکال دارد بلکه مقصود این است که به هدف این عزاداری اندیشیده شود و تلاش شود در رفتار هم تأثیرش دیده شود. باید شاهد باشیم در ماه محرم، دروغگویی در بازارها کم شود، چک برگشتی، خیانت در امانت، بزهکاری ها کم شود. اگر این همه افراد در این عزاداری ها می وند؛ در خیابان ها و مجالس و تکیا و مساجد شاهد آن هستیم، پس چرا به گفته مسئولین، میلیون ها نفر در دادگاه ها پیگیر پرونده شکایت هایشان هستند؟ معلوم است معارف عاشورا کمتر از ظاهر عاشورا جدی گرفته شده است.

هنوز این باور به صورت عمومی شکل نگرفته که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا! یعنی دائم حق و باطل در جبهه نبرد مقابل هم هستند. تقوا داشتن نسبت به بیت المال یا مال دیگران، حقوق افراد و همسایگان و بستگان، دل نبستن به دنیا فانی، دوری از تجملات از جمله نبردهای حال حاضر ما به عنوان جبهه حق در مقابل باطل و کفر و مخالفان اسلام و امام حسین علیه السلام است.

آیت الله ضیاء آبادی در کتاب لاquo& حسین چراغ حیات کشتی نجات raquo& می نویسد: ما در ایام عاشورا و در مجالس عزای همان rlm& طور که خود راموظف به ذکر مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام و گریه بر آن عزیز خدا می دانیم؛ باید خود را به اخذ معارف دین از آستان اقدس آن مربی و معلم بزرگ عالم انسانیت نیز موظف بدانیم و باورمان بشود که این کاخ بسیار شکوهمند نهضت عاشورا، براساس معرف و شناخت خدا و ایمان به حیات عقبی نهاده شده و استوار گشته است.

اینکه نوجوان حماسه کربلا می وند؛ گوید: (الموت و الله عندی احلی من العسل)؛ یا پیران عاشورایی می وند؛ گفتند:

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ rlm& تنگ rlm&

من از او روحی ستانم جاودان او زمن دلقی سناند رنگ‏ رنگ‏

چه معرفتی داشتند؟ آیا جز این است که دنیا را مانند مولایشان امیرالمومنین علی علیه السلام سه طلاقه کردند؟

*از توبه حر بن یزید در عاشورا چه معارفی برای ما حاصل می‌شود؟

آیا قضیه جناب حرّ بن یزید ریاحی نشان از این ندارد که انسان گناهکار که حتی می‌شود؛ زنج می‌تواند باعث آزرده‌گی امام زمانش شده باشد، به سوی خدا برگردد؟ دوباره به دامن پر مهر امام زمانش بر می‌گردد و تازه امام زمان کربلایی اش ابا عبد الله الحسین می‌شود؛ فرماید: ارفع رأسک، یعنی نه تنها ناراحت نباش بلکه چون توبه کردی و از جبهه باطل به حق بازگشته‌ای، سرت را با عزت بالا بگیر. آن دشمنان ما هستند که باید سر افکنده باشند. اینجاست که تبلور آیه شریفه قرآن را می‌بینیم.

*آیا در قرآن هم برای بندگان که از مسیر هدایت دور افتاده اند، آموزه‌هایی مطرح شده است؟

بله. در آیه ۵۳ سوره زمر آمده است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ رُلْمِ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ رُلْمِ﴾؛ بگو ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، که خدا تمام آثار (گناهان) را می‌آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده و مهربور است.

*مهمترین معرفتی که از واقعه عاشورا به دست می‌آید چیست؟

اصل واقعه عاشورا خود معرفت نظام شکنی طاغوت یا برملاسازی نقشه دشمنان اسلام را دارد. آیت الله مکارم شیرازی در کتاب گرانقدر عاشورا ریشه رُلْمِ ها، انگیزه رُلْمِ ها، رویدادها، پیامدها رُلْمِ می‌شود؛ فرماید: دستگاه خلافت اموی تصوّر می‌کرد با کشتن امام حسین علیه السلام و یارانش- آن هم در نهایت قساوت و بی‌رحمی- و اسارت زنان و کودکانش، به هدف خویش رسیده و نتیجه مطلوب را به دست آورده است. به گمان خویش، هم توانسته است دشمن شماره یک خود را از سر راه بردارد و هم از دیگران زهر چشمی بگیرد، تا هیچ کس بنای مخالفت با حکومت او را در سر نپروراند.

یزیدیان که پس از حادثه عاشورا از پیروزی خیالی خود! سرمست و مغرور بودند، سخنانی بر زبان جاری ساختند و رفتارهایی از خود بروز دادند که به افشای ماهیت و نیات شوم آنان کمک کرد. آنان که گمان داشتند با کشتن امام حسین علیه السلام و اسارت خانواده او، به پیروزی بزرگی نایل شده رُلْمِ اند و آخرین نقطه مقاومت را در خاندان پیامبر در هم کوبیدند، برای آنکه پیروزی خیالی خود را به رخ همگان بکشاند و مستی و سرور خود را تکمیل کنند، به اقدامات نابخردانه و جاهلانه رُلْمِ ای دست زدند که شادمانی زودگذر آنان را به مصیبت و ماتم دائمی تبدیل کرد.

آذین رُلْمِ بندی شهرهایی چون کوفه و دمشق، برپا کردن مجالس سرور و شادی، توأم با رقص و شراب و پایکوبی، به زنجیر بستن نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و گرداندن آنان در میان مردم در هیئت اسیران جنگی، تازیانه زدن به اطفال بی‌گناه، بر سر نیزه کردن سرهای شهیدان سرفراز کربلا و زدن چوب خیزران بر لب و دندان امام و ... از جمله کارهایی رُلْمِ بود که به منظور تحقیر اسیران و زهر چشم گرفتن از دیگران، از بنی رُلْمِ امیه بروز کرد.

شهادت امام حسین علیه السلام و یاران پاکبازش، به احیای مکتب محمدی صلی الله علیه و آله کمک کرد و خون پاک اباعبدالله علیه السلام درخت اسلام را آبیاری نمود و به رشد و بالندگی امت اسلامی و بیداری مسلمانان انجامید

ولی تمام این اعمال تیر خلاصی بود بر قلب پلید دستگاه اموی، به گونه رُلْمِ ای که شادمانی زودگذر آنان تبدیل به کابوس وحشتناکی شد و لحظه رُلْمِ ای آنان را رها نساخت. در واقع بنی رُلْمِ امیه هنوز طعم پیروزی را مضمضه نکرده بودند که تلخی آن را در سراسر وجود پلشت و پلید خود احساس کردند.

آنان در حالی که سرمست از باده پیروزی خیالی بودند، تصریح کردند که انتقام خود را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و اسلام گرفته رُلْمِ اند و تصوّر می‌کردند به اهداف خویش که بازگشت به عصر جاهلیت بود، نزدیک شده رُلْمِ اند، ولی در واقع همه این تلاش رُلْمِ ها، تیشه رُلْمِ ای بود که بر ریشه ناپاک دستگاه اموی وارد می‌شد!

شهادت امام حسین علیه السلام و یاران پاکبازش، به احیای مکتب محمدی صلی الله علیه و آله کمک کرد و خون پاک اباعبدالله علیه السلام درخت اسلام را آبیاری نمود و به رشد و بالندگی امت اسلامی و بیداری مسلمانان انجامید.

شاید به همین خاطر است که امام سجاد در پاسخ؛ ابراهیم بن طلحه؛ که به امام با کنایه گفته بود: چه کسی در جنگ کربلا مغلوب شد؟ که مقصودش شکست امام حسین (ع) بود، فرمودند: اگر می‌خواهی بدانی پیروزی و غلبه با چه کسی بود، به هنگام فرا رسیدن وقت نماز اذان و اقامه بگو. یعنی هدف یزید محو اسلام و نام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، ولی همچنان طنین لایله إله إلا الله و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بر مأذنه؛ ها می‌پیچد و مسلمانان در همه جا- حتی در شام و پایتخت سلطنت یزید- به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهند!

استاد مطهری به یک عامل یا پیام معارفی مهم در واقعه عاشورا اشاره می‌کند. و آن امر به معروف و نهی از منکر است که الان در جامعه ما می‌توان گفت: فراموش شده است. الان دیگر نمی‌توان به صراحت نهی از بد حجابی یا گوش دادن به موسیقی نمود. آیا عزاداران حسینی سزاوار نیست نسبت به این واجب عاشورایی بیشتر بیاندیشند و در مقام عمل برآیند؟

محمد بن حنفیه برادر امام در آن موقع دستش فلج شده بود، معیوب بود، قدرت بر جهاد نداشت و لهذا شرکت نکرد. امام وصیت نامه ای می‌نویسد و آن را به او می‌سپارد؛ اوصی ما اوصی؛ یه الحسین بن علی؛ اخاه محمداً المعروف بابن الحنفیه؛ تا آنجا که راز قیام خود را بیان می‌کند؛ انا ما خرجت اشیراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً، انا ما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی، ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر یسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب علیه السلام؛

استاد مطهری در کتاب؛ حماسه حسینی؛ می‌نویسد: دیگر در اینجا مسأله دعوت اهل کوفه وجود ندارد، حتی مسأله امتناع از بیعت را هم مطرح نمی‌کند؛ یعنی غیر از مسأله بیعت خواستن و امتناع من از بیعت، مسأله دیگری وجود دارد. اینها اگر از من بیعت هم نخواهند، ساکت نخواهم نشست. مردم دنیا بدانند حسین بن علی طالب جاه نبود، طالب مقام و ثروت نبود، مرد مفسد و اخلاص‌گری نبود، ظالم و ستمگر نبود، او یک انسان مصلح بود.

* غیرت دینی و ناموسی امام حسین (ع) چگونه در روز عاشورا تبلور یافت؟

در لحظات آخر ابا عبد الله، وقتی در آن گودی قتلگاه افتاده است و قدرت حرکت کردن ندارد، قدرت جنگیدن با دشمن ندارد، قدرت ایستادن بر سر پا ندارد و به زحمت می‌تواند حرکت کند، باز می‌بینیم از سخن حسین غیرت می‌جهد، عزت تجلی می‌کند، بزرگواری پیدا می‌شود؛

از جمله معارف عاشورایی، غیرت ممدوح دینی و ناموسی است. آیا مردان ما نسبت به حیا و عفت زنان و حجاب آنان، به اندازه کافی و لازم غیرت به خرج می‌دهند؟ باز هم استاد مطهری به این نکته اشاره کرده و می‌نویسد: در لحظات آخر ابا عبد الله، وقتی در آن گودی قتلگاه افتاده است و قدرت حرکت کردن ندارد، قدرت جنگیدن با دشمن ندارد، قدرت ایستادن بر سر پا ندارد و به زحمت می‌تواند حرکت کند، باز می‌بینیم از سخن حسین غیرت می‌جهد، عزت تجلی می‌کند، بزرگواری پیدا می‌شود.

لشکر می‌خواهند سر مقدسش را از بدن جدا کنند ولی شجاعت و هیبت سابق اجازه نمی‌دهد. بعضی می‌گویند نکند حسین حيله جنگی به کار برده که اگر کسی نزدیک شد، حمله کند و در مقابل حمله او کسی تاب مقاومت ندارد. نقشه پلید و نامردانه ای می‌کشند، می‌گویند اگر به سوی خیمه می‌آید حمله کنیم او طاقت نمی‌آورد. امام حسین افتاده است. من نمی‌توانم آن حالت ابا عبد الله را مجسم کنم. لشکر به طرف خیام حرمش حمله می‌کند.

یک نفر فریاد می‌کشد: حسین، تو زنده ای؟! به طرف خیام حرمت حمله کردند! امام به زحمت روی زانوهای خود بلند می‌شود، به نیزه می‌کشد و فریاد می‌کند و فریاد می‌کشد؛ و لکم یا شیعة آل ابی سفیان، ان لم یکن لکم دین و لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم؛ ای مردمی که خود را به آل ابو سفیان فروخته اید، ای پیروان آل ابو سفیان! اگر خدا را نمی‌شناسید، اگر به قیامت ایمان و اعتقاد ندارید، حریت و شرف انسانیت شما کجا رفت؟! شخصی می‌گوید: ما تقول یا بن فاطمه؟ پسر فاطمه چه می‌گویی؟ فرمود: انا اقاتلکم و انتم تغاتلوننی و النساء لیس علیهن جناح؛ طرف شما من هستم، این پیکر حسین

حاضر و آماده است برای اینکه آماج تیرها و ضربات شمشیرهای شما واقع شود. ولی روح حسین حاضر نیست او زنده باشد و ببیند کسی به نزدیک خیام حرم او می‌رود.

معارف بیشتری نیز وجود دارد که نمی‌توان همه را یکجا بررسی کرد و سخنرانان و خطبا روی منابع حسینی باید از این معارف بگویند و بگویند و نویسندگان کتب چاپی و مجازی بنویسند و بنویسند. زبان دانان و مترجمان این معارف را به زبان های دیگر ترجمه کنند تا امام حسین (ع) به عنوان الگویی برای آنان که در زبانه های فرهنگی غرب دنبال الگو برای خاموش کردن عطش جستجوگری فطری خویش می‌گردند، معرفی شود.